

مرد همیشه خوب تلویزیون



جواد هاشمی از آن دسته بازیگرانی است که همیشه خوب است، یعنی نقش‌هایش همیشه خوبند و نمی‌دانیم چرا هیچ وقت عصبانی نمی‌شود، بد نمی‌شود، حرص نمی‌خورد و کلاً مثل آدم‌های معمولی نمی‌شود.

جام جم آنلاین: جواد هاشمی از آن دسته بازیگرانی است که همیشه خوب است، یعنی نقش‌هایش همیشه خوبند و نمی‌دانیم چرا هیچ وقت عصبانی نمی‌شود، بد نمی‌شود، حرص نمی‌خورد و کلاً مثل آدم‌های معمولی نمی‌شود. دوست دارد همین‌گونه خیلی خوب دور از ذهن بماند، البته بماند که خوبی به او می‌آید ولی دلیل بازیگر شدنش را نمی‌دانیم. این‌که آمده تا چهره همیشه مثبت سریال‌ها و فیلم‌ها باشد و نگذارد تماشاچیان غافلگیر شوند؟ یا آمده تا کار کارگردانان را راحت کند؟ نمی‌دانیم ولی خودش دوست دارد همه جا بگوید معلم است، چون معلم است آن هم برای 29 سال که البته یک سال هم در تعلیق است!

او در مصاحبه با فارس گفته برای خودش در دانشگاه ضرب‌المثلی بوده چراکه اگر استاد ساده‌ترین سوال‌ها را می‌پرسید و کسی بلد نبود می‌گفت: «؛واقعاً که! این که جوابش رو هاشمی هم بلده!> اما او در ادامه به حقوق معلمی‌اش اشاره می‌کند که یک ماهش شاید یک‌چهارم یک ساعت مجری‌گری اوست و جالب‌تر این‌که او در سال 600 پیشنهاد بازیگری دارد و اگر فقط مجری‌گری کند میلیارد می‌شود، چراکه به هیچ کس به اندازه او پیشنهاد مجری‌گری نمی‌دهند و حالا چرا قبول نمی‌کند برمی‌گردد به همان سوال‌های اول ما که چه؟! هاشمی در مصاحبه‌اش گفته نقشی را بازی می‌کند که با اعتقاداتش سنخیت داشته باشد و به‌خاطر همین هم برای نقش‌هایش ریشش را نمی‌زند.

به هر حال جواد هاشمی است و خوب بودن‌هایش!

صدرعاملی و دغدغه نوشتن

رسول صدرعاملی که فعالیت سینمایی خودش را در مقام کارگردان با فیلم خونبارش آغاز کرده «؛زندگی با چشمان بسته> آخرین اثر سینمایی اوست که روی پرده رفته و البته او فیلم «؛در انتظار معجزه> را هم در نوبت اکران دارد. او این روزها سرگرم نوشتن است و چقدر این روزها این قبیل جمله‌ها را زیاد می‌شنویم که اهالی سینما دست از سینما شسته‌اند. انگار با خستگی در می‌کنند یا گوشه عزلت گزیده‌اند یا شاید هم هیچ‌کدام از اینها نیست و یک حال مسری زودگذر است که امیدواریم این‌گونه باشد.

صدرعاملی در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها نوشتن را دغدغه این روزهایش عنوان کرده و گفته: «؛هیچ خبر جدیدی از کارگردانی ندارم. نه سناریویی را برای تصویب ارائه کرده‌ام و نه قصد دارم فیلمی را کلید بزنم. این روزها فقط می‌نویسم.> صدرعاملی در ادامه البته اضافه کرده فعلاً در حال نوشتن است؛ داستان‌های متفاوتی را می‌نویسد اما درباره این‌که کدام یک را توسعه دهد به نتیجه قطعی نرسیده است.

رسول صدرعاملی همچنین به این موضوع اشاره کرده که مدت‌هاست رایت ویدئویی زندگی با چشمان بسته را به شبکه نمایش خانگی واگذار کرده‌اند و طرف قراردادشان موسسه رسانه‌های تصویری بوده و مدیران این موسسه هستند که درباره زمان عرضه فیلم به شبکه خانگی تصمیم می‌گیرند و در حال حاضر هم که خبری از توزیع این فیلم در شبکه نمایش خانگی نیست. لحن صدر عاملی کمی منفعل به نظر می‌رسد بخصوص وقتی در پاسخ به سوال خبرنگار درباره اطلاع از زمان اکران در انتظار معجزه نیز با جمله‌ای کوتاه اظهار بی‌خبری می‌کند و این‌گونه فکر و خیال‌ها درباره شخصیت‌های سینمایی نگران‌کننده است، اما طبق معمول امیدواریم ما اشتباه کرده باشیم و حال همگی خوب باشد.

یک خواننده قدیم شما چطور؟

بازیگری داریم که نقطه مقابل جواد هاشمی است. نه‌تنها بیشتر یا تمام نقش‌هایش منفی بوده و حتی این نقش منفی به او می‌آمده، بلکه برعکس جواد هاشمی به خاطر نتراشیدن محاسنش از یک کاری کنار گذاشته شده! رضا رویگری در گفت‌وگو با یکی از خبرگزاری‌ها گفته قرار بوده در «؛رسوایی> به جای شریفی‌نیا بازی کند و لازم بوده برای این کار ریش بگذارد.

اما پس از چند روز خسته شده و ریشش را تراشیده و وقتی عوامل سازنده خبردار شدند خود به خود حضورش منتفی شده است. رویگری گفته بعد از حضور در برخی آثار، مخاطبان توقع دارند دقت نظر بیشتری در انتخاب‌هایش داشته باشد تا آن نقش خاص را زیرسوال نبرد، بنابراین ترجیح داده روی آلبومش کار کرده و از صدایش استفاده کند که سال‌هاست به آن بی‌مهری کرده، البته این جمله تاریخی را در مورد رویگری نمی‌توانیم بگوییم که این روزها همه خواننده شده‌اند، شما چطور؟ ولی می‌توانیم بگوییم این روزها همه سینما را رها کرده‌اند و موسیقی را چسبیده‌اند، شما چطور؟!>

رویگری در جایی از مصاحبه‌اش گفته نقش مثل دختر می‌ماند، آنقدر خواستگار برایش می‌آید تا این‌که یکی می‌گیردش و البته ما نمی‌دانیم این تعبیر رویگری از بازیگری را کجای دلمان بگذاریم، اما خب نظر ایشان است و محترم!

یک خواننده جدید، شما چطور؟

مجبوریم یک بار دیگر این جمله تاریخی را بگویم که این روزها همه خواننده شده‌اند شما چطور؟ سوال ندارد. براحتی می‌توانید فهرست بازیگران را در ذهن‌تان مرور کنید و یک به یک به ترتیب ببینید خواننده شده‌اند. حالا چه اشکالی دارد. جایی ما را که تنگ نکرده‌اند.

امیدواریم حدس زده باشید این بار نوبت کیست. امین حیایی در حال مذاکره با بعضی آهنگسازان مطرح موسیقی پاپ است تا کار ساخت آهنگ‌ها و تنظیم قطعات اولین آلبوم مستقل خود را به آنها بسپارد.

البته نام‌هایی که قرار است حیایی با آنها کارش را آغاز کند واقعا امیدوارکننده است؛ افشین یذالهی و روزبه بمانی، سیروان خسروی و مهدی یراحي و پدرام کشتکار اما این‌که چقدر صدای امین حیایی می‌تواند در کنار این اسامی موفق باشد یا خیر را هیچ ایده‌ای در موردش نداریم! البته ظاهراً کسی هم کاری به ایده ما ندارد و این روزها هر کس دلش بخواهد خواننده شده و کاملاً امری است دل‌خواهی!

همچنین گفته شده اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود اولین آلبوم مستقل امین حیایی تا خرداد 1392 به بازار عرضه می‌شود و در صورت موفقیت، حیایی برنامه‌های ویژه‌ای هم برای اجرای زنده خواهد داشت.

البته در مورد سابقه خوانندگی امین حیایی هم مطالبی گفته شده است. این‌که او در چند فیلم خواننده و با چند گروه موسیقی همراهی و همکاری داشته است.

ما حرفی نداریم بجز آرزوی موفقیت و این‌که ببینیم موفق می‌شود یا مجبوریم بگویم چیزی از ارزش‌هایش کم نشد، اما کاش بازیگر می‌ماند!

عروسک‌های رکوردشکن

این همه سر و صدا و خبر فقط از یک عروسک خیلی عجیب است. عروسکی که حالا خیلی معروف شده و کم‌کم می‌رود برای خودش به یک سوپرستار تبدیل بشود!

اصلاً هم تعجب نکنید چون این اتفاق خیلی بعید نیست. کدام سوپرستاری را می‌شناسید که فیلمش تنها در سه روز اول اکران 261 میلیون تومان بفروشد؟ تازه این در شرایطی است که کلاه قرمزی سینماهای حوزه هنری را در اختیار ندارد.

کلاه قرمزی انگار قصد دارد رکورد سال‌های پیش خود را تکرار کند. فیلم سینمایی «؛کلاه قرمزی و بچه‌ننه» که از عید فطر اکران شد حالا یکی از خبرسازترین‌هاست و صفحه فرهنگی روزنامه و خبرگزاری‌ها حتماً خبری درباره این عروسک دوست‌داشتنی گذاشته‌اند. به هر حال کلاه قرمزی در دو هفته گذشته یکی از خبرسازترین چهره‌ها بود. کلاه قرمزی سومین فیلم سینمایی براساس شخصیت کلاه قرمزی بعد از «؛کلاه قرمزی و پسرخاله» و «؛کلاه قرمزی و سرونار» ساخته شده است.

داستان این فیلم درباره شیطنتهای پسرعمه‌زاست که کلاه قرمزی و آقای مجری را به دردسر می‌اندازد و ماجرای جدیدی پیش می‌آید که منجر به ورود مهمان ناخوانده‌ای می‌شود.

بازیگر خواستید هستم

رضا عطاران می‌تواند حالا حالاها چهره باشد نه فقط به خاطر «؛خوابم می‌آد»، بلکه به خاطر خلاقیتش در بازیگری، برای سوژه‌های به ظاهر دم‌دستی که هیچکس به اندازه او به آنها توجه نمی‌کند، اما از بطن زندگی همه ما می‌آید، برای بازی‌اش در نقش‌های طنز که مثال‌زدنی است و برای نوع صحبت کردنش.

در روزهای اخیر او با حضور در یکی از خبرگزاری‌ها از اما و اگرها و حاشیه‌های خوابم می‌آد گفته است، مثلاً درباره دلایل اکران نشدن این فیلم در سینماهای حوزه هنری گفته: «؛حوزه هنری دنبال دلیل است که چرا فیلم خوابم می‌آد فیلم مستهجنی است، اما ظاهراً هنوز دلیلش را پیدا نکرده‌اند. با اصلاحاتی که به فیلم وارد شده من الان پاک‌ترین مرد سینمای ایران هستم.»

او در ادامه و در پاسخ به انتقاداتی که به خوابم می‌آد شده است، درباره گسستگی آن می‌گوید: «؛به نظر خودم فیلم دو پاره که هیچ اصلاً پنج پاره است. اول فیلم طنز اجتماعی خودم است و بعد ملودرام و بعد اکشن و بعد هم تراژدی می‌شود. اینها از نظر من عیب نیست. خودم آن را گذاشتم.»

عطاران مثل دیگران معتقد است اگر فیلم می‌فروشد بخش عمده‌اش به خاطر حضور اکبر عبدی است. مردم می‌خواهند ببینند عبدی در لباس مادر چگونه است و او فکر کرده اگر قرار است حرفی بزند که مردم آن را ببینند باید به نحوی مردم را برای کشاندن به سینما جذب کند.

اما رضا عطاران در بخش دیگری از صحبت‌هایش و زمانی که بحث به استفاده او از بازیگران کهنسال و خردسال می‌رسد، می‌گوید: «؛چند وقت پیش من به پورمخبر زنگ زدم و گفتم اگر جایی بازیگر خواستند من را معرفی کن. به او پیشنهاد زیاد می‌شود و من هم که کم کار شده‌ام.»

همه هنرمندان ایران

می‌خواستیم از این جمع با معرفت و اهل دل، یکی را به عنوان چهره انتخاب کنیم، همان کسانی که در دل مردم جا دارند، اما دلشان به خاطر آوار آذربایجان به درد آمد. دست کمک به سوی مردم دراز کردند و دست مردم آذربایجان را به رسم یاری فشردند.

پس از زلزله غم‌انگیز آذربایجان، هنرمندان و ورزشکاران محبوب مردمی به میدان آمدند و هر کس هر طور که می‌توانست برای کمک شتافت.

هنرمندان موسیقی سازهایشان را کوک کردند، برخی هنرمندان تلویزیون تاب ماندن نداشتند و به آذربایجان رفتند و برخی محبوب‌ترین‌ها هم روزهایی را مقابل سینما آزادی نشستند تا کمک‌های مردمی جمع کنند.

پنجشنبه و جمعه هفته پیش روبه‌روی سینما آزادی غوغایی بود؛ پرویز پرستویی، رضا کیانیان، رضا عطاران، فاطمه معتمد‌آریا، مسعود

رایگان، رویا تیموریان، صابر ابر، حامد کمیلی و... همه بودند.
در همین دو روز به گفته پرستویی، 161 میلیون و 500 هزار تومان پول نقد جمع شد.
رضا کیانیان گفت: کمترین کاری که می‌توانم انجام دهم این است که آبرویم را برای جمع‌آوری کمک به هموطنانم خرج کنم و پرستویی هم با قدردانی از مردم قول داد مبالغ جمع شده به بهترین شکل ممکن برای زلزله‌زدگان هزینه شود.
چه اشکالی دارد همه هنرمندان و دل‌های دردمندشان این هفته چهره خبرساز ما باشند؟ آنها با غم‌های این مردم غصه خورده‌اند و با لبخندشان شاد شده‌اند.